

The role of reason in interpreting the verses of intercession from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli and Rashid Reza

(Received: 01/04/2021- Accepted: 19/02/2021)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2023.7.2.3.8>

Sayyed Mohammad Naqeeb¹, Akram Sadat Sidi²

Abstract

The role and function of reason in understanding and interpreting the Holy Quran is disputed by commentators. Some deny the functions of reason in interpreting and understanding the verses of the Qur'an, and some accept it. Ayatollah Javadi Amoli and Rashid Reza are among the commentators who have used reason to understand the verses. Among the challenging verses that these two commentators have used reason to interpret are the verses of intercession; But according to the foundations and presuppositions different from the truth and the nature of intercession, the result they obtained is completely opposite. One has proven intercession by using negation and the other has proved it; Therefore, in the present research, with the descriptive-analytical method and library study, a comparative comparison of the views of Ayatollah Javadi Amoli in Tafsir Tasnim and Rashid Reza in Tafsir Al-Manar, regarding the role and functions of reason in the interpretation of the verses of intercession in the Holy Quran

Keywords: intercession, intellect, Holy Quran, Tafsir al-Manar, Tafsir Tasnim.

1. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Qom, Iran. nagheb@quran.ac.ir

2. PhD student in the field of comparative interpretation, Al-Zahra University, Qom, Iran (corresponding author). akramsadat.seyedi@yahoo.com



نقش عقل در تفسیر آیات شفاعت از منظر آیت‌الله جوادی آملی و رشید رضا

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸)
DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2023.7.2.3.8>

سید محمد نقیب^۱

اکرم سادات سیدی^۲

چکیده

نقش و کارکرد عقل در فهم و تفسیر قرآن کریم مورد اختلاف مفسران است. برخی منکر کارکردهای عقل در تفسیر و فهم آیات قرآن هستند و برخی آن را قبول دارند. آیت‌الله جوادی آملی و رشیدرضا، از جمله مفسرانی هستند که از عقل، در فهم آیات بهره برده‌اند. از جمله آیات چالش برانگیزی که این دو مفسر، برای تفسیر آن‌ها از عقل استفاده کرده‌اند، آیات شفاعت است؛ اما با توجه به مبانی و پیش‌فرض‌های متفاوت از حقیقت و ماهیت شفاعت، نتیجه‌ای که به دست آورده‌اند، کاملاً متضاد است. یکی شفاعت را با استفاده از عقل منکر و دیگری آن را اثبات کرده است؛ بنابراین در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای، به مقایسه تطبیقی دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم و رشیدرضا در تفسیر المنار، در مورد نقش و کارکردهای عقل در تفسیر آیات شفاعت در قرآن کریم پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شفاعت، عقل، قرآن کریم، تفسیر المنار، تفسیر تسنیم.

۱. دا نشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران. nagheb@quran.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای رشته تفسیر تطبیقی، جامعه الزهرا (س)، قم، ایران (نویسنده مسؤول).

akramsadat.seyedi@yahoo.com



مقدمه

مسأله شفاعت در سی آیه از آیات قرآن کریم مطرح شده است. از آنجاکه لسان این آیات متفاوت است، بین مفسران در مورد چگونگی توجیه و برداشت مسأله شفاعت از آیات، اختلاف نظر به وجود آمده است.

یکی از راه‌های فهم و تبیین مسأله شفاعت در آیات، استفاده از مدرک عقل است؛ اما مفسران در رابطه با کارکرد و نقش عقل در تفسیر قرآن، روش‌های گوناگونی را به کار گرفته‌اند. برخی فقط از نقش مصباح بودن عقل و برخی دیگر از نقش منبع بودن عقل، در فهم و تفسیر آیات بهره برده‌اند. آیت‌الله جوادی آملی و رشید رضا، با وجود این که خاستگاه فکری و اعتقادی متفاوتی دارند، از جمله مفسرانی هستند که استفاده از مدرک عقل را برای فهم آیات قرآن کریم ضروری می‌دانند. آیت‌الله جوادی آملی، مفسری شیعی و عقل‌گرا است که تفسیر تسنیم را به روش تفسیر قرآن به قرآن به رشته تحریر درآورده است؛ اما رشیدرضا، مفسری سنی مذهب است و به حسب ظاهر خواسته است که تفسیر المنار را به روش تفسیر قرآن به قرآن بنگارد، اما با نگاه عمیق‌تر دریافت می‌شود که رشیدرضا در صدد آن است که آرای خودش را با توجه به آیات موافق با افکارش تبیین کند.

این دو مفسر از نظر مبنایی در مسأله شفاعت با یکدیگر اختلاف نظر دارند تا جایی که رشیدرضا، شفاعت را انکار کرده و از آن با عنوان «وثنیة الشفاعة» یاد می‌کند (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۶/ ۴۸۳). در مقابل آیت‌الله جوادی آملی مسأله شفاعت را امری مسلم و قطعی قلمداد کرده و در صدد خدشه وارد کردن بر آراء رشیدرضا برآمده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۲/ ۱۱۹).

پژوهش حاضر، نظرات این دو مفسر در مورد تفسیر آیات شفاعت را مورد بررسی قرار می‌دهد تا روشن کند که دو مفسر مذکور، چگونه از عقل در فهم آیات شفاعت بهره برده‌اند و از کدامین کارکردهای عقل در تفسیر آیات شفاعت استفاده کرده‌اند.

پژوهش‌هایی در خصوص مسأله شفاعت در قرآن مجید صورت گرفته است که از جمله آن‌ها، پایان‌نامه‌ای با عنوان «مقایسه تطبیقی شفاعت در آراء آیت‌الله جوادی آملی و محمد بن عبدالوهاب» توسط زینب خسروی در سال ۱۳۹۵ به رشته تحریر درآمده است. در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روش شناختی نقدهای علامه جوادی آملی در مسأله شفاعت بر تفسیر المنار» که توسط محمدحسین بیات و حسین محقق‌ی در سال ۱۳۹۸ به رشته تحریر درآمده، به تحلیل روش مواجهه آیت‌الله جوادی آملی و رشیدرضا با آیات مرتبط با شفاعت می‌پردازد. همچنین پژوهش‌هایی در مورد نقش عقل در تفسیر قرآن کریم صورت گرفته است که از جمله آن پژوهش‌ها، مقاله‌ای با نام «کاربست‌های

عقل تفسیری با تأکید بر محدوده آن» که توسط کامران اویسی و سیدرضا مؤدب در سال ۱۳۹۷ در مجله عقل و دین به چاپ رسیده که در آن به نقش عقل در تفسیر قرآن کریم پرداخته شده است؛ اما هیچ کدام از این پژوهش‌ها، به نقش عقل در تفسیر آیات شفاعت از منظر آیت‌الله جوادی آملی و المنار نمی‌پردازد؛ بنابراین نوآوری در پژوهش حاضر این است که به نقش و کارکرد عقل در تفسیر آیات شفاعت از منظر آیت‌الله جوادی آملی و پدیدآورندگان المنار پرداخته است. داده‌های این پژوهش به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و با شیوه توصیفی - تحلیلی پردازش می‌شود.

۱- مبانی نظری تحقیق

در ابتدا لازم است مفاهیم شفاعت و عقل از نظر لغوی تبیین گردیده و تعریف دو مفسر مذکور درباره آن‌ها مشخص گردد. همچنین به میزان کارکرد عقل در تفسیر پرداخته می‌شود.

۱-۱- مفهوم‌شناسی شفاعت

شفاعت از ماده «شفع» به معنای زوج است که در مقابل «وتر» به معنای فرد است؛ (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۰۱/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۶۳) از این رو در شفاعت، شفیع با انسان شفاعت شونده جفت می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴/ ۲۰۱). همه عالمان شیعه و غالب اهل تسنن، شفاعت را نوعی وساطت در مغفرت و بخشیدن گناهان دانسته‌اند. به این صورت که شخص قوی از شخص ضعیف دستگیری می‌نماید و او را به مقامی می‌رساند یا از عذابی نجات می‌دهد. آیت‌الله سبحانی، شفاعت را واسطه شدن پیامبران و اولیاء الهی در روز قیامت نسبت به کسانی دانسته که پیوند ایمانی خود را با خداوند متعال قطع نکرده‌اند و از طرفی رابطه معنوی خود را با شفاعت‌کنندگان درگاه الهی حفظ کرده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۳: ۸/ ۲۰۷)؛ اما رشیدرضا که دیدگاه‌های سلفی‌گری دارد، در مورد شفاعت دیدگاهی متفاوت با غالب اهل سنت دارد. ایشان شفاعت را فعلی می‌داند که در اراده خداوند متعال تأثیر می‌گذارد و حکم الهی را تغییر داده و انسان را از عذاب الهی نجات می‌دهد (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۳/ ۱۷) و چون شفاعت را موجب تغییر در اراده خداوند متعال دانسته و دگرگون شدن اراده الهی هم امری محال است؛ پس شفاعت را منکر می‌شود؛ اما همة عالمان شیعه از جمله آیت‌الله جوادی آملی، با تعریف درست از معنای شفاعت، شفاعت را برای افرادی که خداوند به آن‌ها اذن دهد، در مواقع خاصی از قیامت، اثبات می‌کنند.

۱-۲- چیستی عقل

عقل در لغت، از عقال گرفته شده است. عقال به معنای طنابی است که با آن پای شتر

را می‌بندند و او را از حرکت بازمی‌دارند؛ بنابراین عقل به قوه‌ای گفته شده که مانع سرپیچی کردن او از راه راست است. برخی عقل را به معنای نهی و خودداری دانسته‌اند (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۷۶۹/۵؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۴۴۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۴/۶). برخی دیگر عقل را قوه‌ای دانسته‌اند که انسان را از بقیه حیوانات متمایز می‌کند و نیرویی است که امور را تثبیت می‌کند (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۳۲/۹).

علامه طباطبایی، عقل را قوه‌ای در انسان می‌داند که به وسیله آن، خیر و شر و حق و باطل از یکدیگر تشخیص داده می‌شود و چیزی است که با آن ادراک می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۲/۲۴۷). شهید مطهری، عقل را از قوای نفس انسانی و مدرک کلیات می‌داند که با آن می‌توان از مقدمات معلوم و بدیهیات، به کشف مجهولات و تجزیه و تحلیل مسائل نظری پرداخت (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۳/۳۵۸). آیت‌الله جوادی آملی، عقل را شامل عقل تجریدی محض که در فلسفه و کلام بروز می‌یابد و عقل نیمه تجریدی که در ریاضیات ظهور می‌کند و عقل تجربی که عهده‌دار علوم تجربی است و عقل ناب که عهده‌دار عرفان نظری است، می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۵)؛ بنابراین مراد از عقل، مجموعه روش‌های تجربی، تجریدی و نیمه تجریدی و عقل ناب است که بشر به کمک آن‌ها به معارفی دست می‌یابد.

رشیدرضا که در زمره سلفی‌های معتدل قرار دارد، تلاش نمی‌کند که عقل را تعریف کند؛ چراکه نزد سلفی‌ها، معنای عقل دارای ابهام و ایهام است و نمی‌توان تصور روشنی از عقل داشت و همین اعتقاد موجب شده، رشیدرضا مدرکات عقلی را حدسی و احتمالی بشمارد (رشیدرضا، ۱۳۶۶: ۱۳۲).

بنابراین سلفی‌گری رشیدرضا، موجب شده است تا برداشت درستی از عقل نداشته باشد و مدرکات عقلی را هم در رسیدن به معارف حدس و احتمال محسوب کند و معتبر نشمارد؛ اما آیت‌الله جوادی آملی، عقل را مجموعه‌ای از روش‌های تجربی، تجریدی و نیمه تجریدی و عقل ناب می‌داند که بشر با کمک آن‌ها به معارف دست می‌یابد و برداشت‌ها و مدرکات عقلی را معتبر می‌شمارد.

۳-۱- کارکرد عقل در تفسیر قرآن

عقل به‌عنوان قوه ادراک در فهم مراد خداوند متعال، نقش بسزایی ایفا می‌کند. همه فرقه‌های اسلامی، نقش و کارکرد عقل در تفسیر قرآن کریم را فی‌الجمله قبول دارند و فقط اخباریان و اهل حدیث، برای عقل در فهم قرآن، نقشی قائل نیستند (نجار زادگان، ۱۳۹۱: ۱۷۰). کارکرد عقل در تفسیر قرآن کریم به دو صورت عقل به‌عنوان منبع تفسیر و عقل به‌عنوان ابزاری (مصباحی) برای تفسیر قرآن محسوب می‌شود.

۱-۳-۱- عقل به‌عنوان منبع تفسیر

یکی از کارکردهای عقل در فهم قرآن، نقش منبع بودن آن است که همان استنباط برخی از مبادی تصویری و تصدیقی عقل است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۶۹-۱۷۱). عقل منبع به عقل برهانی و عقل بدیهی تقسیم می‌گردد. عقل بدیهی فهمیدن مطلبی است بدون اینکه از مقدمات یا قیاسی استفاده شود؛ چراکه بدیهیات اکتسابی نیستند (فخر رازی، ۱۳۷۳: ۱/ ۴۵)؛ اما در عقل برهانی با بهره‌گیری از مقدمات یقینی یک قیاس منطقی تشکیل می‌شود و نتیجه یقینی به دست می‌آید. برخی محققان معاصر عقل برهانی را منبع می‌دانند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۶۹). در این کارکرد، عقل با استفاده از مقدمات یقینی به برهانی قطعی می‌رسد که این برهان در فهم درست از کلام خداوند عزوجل، قرینه می‌شود و در پی آن، حکم به تأویل ظاهر آیاتی می‌شود که با قرینه قطعی مخالف هستند (نجار زادگان، ۱۳۹۱: ۱۷۲). عقل برهانی، از طریق چیش استدلال بر اساس ملازمه یا بر غیر طریق ملازمه، به ملازمات عقلیه و غیر ملازمات عقلیه تقسیم می‌شود (صدر، ۱۴۱۷: ۱/ ۲۳). مراد از ملازمات عقلیه حکم دادن عقل به ملازمه بین حکم شرع و امر دیگری، یعنی حکم شرعی یا حکم عقلی یا غیر این دو است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۲/ ۴۷۰). ملازمات عقلیه نیز قابل تقسیم به مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه هستند. در مستقلات عقلیه، عقل در یک قیاس منطقی با دو مقدمه عقلی محض، نتیجه می‌گیرد؛ اما در غیر مستقلات عقلیه، برهان یکی از مقدمه‌های قیاس خود را از مطالب غیر عقلی نظیر نقل تشکیل می‌دهد (میرزای قمی، بی‌تا: ۲/ ۲۰). برخی عقل منبع را عقل تأویل‌گر نامیده‌اند، چراکه با استفاده از عقل منبع، مفسر می‌تواند از ظاهر آیه‌ای که مخالف با عقل فطری است، دست بردارد و با توجه به قرینه‌های دیگر آن را تأویل کند (نجار زادگان، ۱۳۸۴: ۱۴۴).

۱-۳-۲- عقل به‌عنوان مصباح

کارکرد دیگر عقل در فهم و تفسیر قرآن، نقش ابزاری یا مصباح بودن آن است که این عقل مصباحی، تنها به جمع‌بندی شواهد داخلی و خارجی می‌پردازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱/ ۵۷) آیت‌الله جوادی آملی که اصطلاح عقل مصباحی را به کار برده، قائل است که عقل تیزبین، معنای آیه را از تدبر و جمع‌بندی بین آیات و روایات درمی‌یابد؛ بنابراین چنین تفسیر عقلی مجتهدانه‌ای از تفاسیر مأثور محسوب می‌شود؛ چراکه از منابع نقلی استفاده کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۶۹)؛ اما قرآن پژوهان معاصر، عقل مصباحی را همان روش تفسیر عقلی اجتهادی دانسته‌اند، زیرا در این کارکرد عقل باید همه قرائن حتی قرینه‌های غیر روایی و قرآنی را مورد توجه قرار دهد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۶۷).

این عقل مصباحی در هرگونه تفسیری نقش دارد، چراکه بدون بهره‌گیری از این کارکرد عقل، ظاهر قرآن را نمی‌توان فهمید و در صورت متوجه نشدن ظاهر آیات، تفسیر آیات قرآن بر اساس روایات و رخدادهای تاریخی و شأن نزول‌ها ممکن نیست. در مورد این نقش عقل در فهم کلام الهی اختلافی نیست؛ اما کارکرد عقل برهانی مورد اختلاف است و برخی مانند اشاعره آن را قبول ندارند (نجم زادگان، ۱۳۹۱: ۱۷۲)؛ بنابراین عقل در تفسیر قرآن دارای دو نقش مصباح بودن و منبع بودن است که نقش مصباح بودن، همان قوه تبیین و نقش منبع بودن، همان قوه تأویل است.

۲- بخش تطبیقی پژوهش

در این بخش به بررسی تطبیقی کارکرد عقل در آیات شفاعت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و رشیدرضا پرداخته خواهد شد.

۲-۱- کارکرد عقل در تفسیر آیات شفاعت از منظر رشیدرضا

تفسیر المنار، از جمله تفاسیری است که از هر دو کارکرد عقل مصباح و عقل منبع برای فهم مراد و مقصود خداوند متعال استفاده کرده است.

رشیدرضا در تفسیر المنار با بهره‌گیری از عقل ابزاری یا مصباح به جمع بین آیات شفاعت پرداخته و آیات مربوط به شفاعت را به سه دسته تقسیم کرده است:

۱. برخی آیات، شفاعت را به صورت مطلق نفی می‌کنند: «وَأْتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْرِي فِيهِ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره/ ۲۵۵)؛ و حذر کنید از آن روزی که هیچ‌کس به کار دیگری نیاید و شفاعت هیچ‌کس پذیرفته نشود و فدا و عوض از کسی قبول نکنند و هیچ یاری کننده و فریادرسی نخواهند داشت.

همچنین آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره/ ۲۵۴)؛ ای اهل ایمان، از آنچه روزی شما کردیم انفاق کنید پیش از آنکه بیاید، روزی که نه کسی (برای آسایش خود) چیزی تواند خرید و نه دوستی و شفاعتی به کار آید و کافران (دریابند که) خود ستمکار بوده‌اند.

۲. برخی آیات، اثرگذار بودن شفاعت را نفی می‌کنند: «فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ» (مدثر/ ۲۷)؛ پس شفاعت شفیعان در حق آنان هیچ سودی نبخشد.

۳. برخی از آیات، شفاعت بدون اذن خداوند متعال را نفی می‌کنند: «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...» (بقره/ ۲۵۵)؛... که را این جرأت است که در پیشگاه او به شفاعت برخیزد مگر به فرمان او؟

اگرچه اکثر مفسران شیعه و اهل سنت از جمله آیت‌الله جوادی آملی، در جمع آیات مربوط به شفاعت، مفاد دسته اول و دوم از آیات را با مفاد دسته سوم مقید می‌کنند

و شفاعت بدون اذن خداوند متعال را غیرممکن و غیرمؤثر می‌دانند و تنها شفاعتی را ممکن و اثرگذار می‌دانند که خداوند متعال آن را اجازه دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۲۰/۴)؛ اما رشیدرضا این قول را نمی‌پذیرد؛ چون معتقد است که جمع بین دو دلیل زمانی، ممکن است که میان آن دلایل ناسازگاری باشد؛ اما در آیات مربوط به شفاعت ناسازگاری وجود ندارد و آیاتی که شفاعت بدون اذن خدا را نفی می‌کنند، نیز مفهومشان نفی مطلق است؛ زیرا روش بیانی قرآن این است که نفی مطلق را با عبارات انشایی بیاورد تا نشان دهد که این نفی و استثناء به اذن و مشیّت الهی است؛ مانند این آیه: «خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ» (هود ۱۰۷)؛ آن‌ها در آتش دوزخ تا آسمان و زمین باقی است مخلدند مگر آنچه مشیّت پروردگار تو باشد که البته خدا هر چه خواهد می‌کند.

به عبارت دیگر چنین استثنایی «إِلَّا بِإِذْنِهِ» برای تأکید نفی است (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱/۳۰۷). رشیدرضا به این صورت، بین آیاتی که شفاعت را بدون استثناء نفی می‌کنند و بین آیاتی که در آن‌ها استثناء وجود دارد، جمع کرده است؛ در نتیجه رشیدرضا و استادش عبده، معتقدند که همه آیات قرآن وجود شفاعت را نفی می‌کنند؛ سپس با استفاده از عقل برهانی شفاعت را امری محال می‌دانند.

۱-۲-۱- استدلال رشیدرضا به عقل برهانی در رد شفاعت

دلیل عقلی که عبده بر انکار شفاعت مطرح می‌کند، این است که شفاعت نزد مردم یعنی؛ شفیع سبب شود حاکم از اراده و یا حکمی که کرده است، منصرف شود؛ بنابراین شفاعت فقط زمانی انجام می‌شود که حاکم به خاطر شفیع از اراده و حکم خود برگردد و آن را فسخ کند. این شفاعت اگر نزد حاکمان بشری باشد به دو صورت ممکن است: ۱. اگر حاکم عادل شفاعت را بپذیرد، موجب می‌شود که علمش نسبت به آنچه اراده کرده یا بدان حکم کرده تغییر کند. مثلاً، اگر اراده کرده بود کسی را مجازات کند و یا فرمانی را صادر کرده بود، در صورتی اراده بر مجازات و یا فرمانش تغییر می‌کند که بفهمد، اشتباه کرده و آن کس را که می‌خواسته مجازات کند، مجرم نیست و یا حکمی که صادر کرده، خلاف مصلحت بوده است.

۲. گاهی حاکم ظالم و مستبد، شفاعت کسانی را که در نزدش تقریبی دارند، می‌پذیرد؛ درحالی که می‌داند که پذیرش آن ظلم است و عدالت خلاف آن را اقتضا می‌کند ولی مصلحت ارتباطش با شفاعت‌کننده را بر عدالت برتری می‌دهد.

در مورد خداوند سبحان هر دو نوع این شفاعت‌ها محال است، چراکه اراده خداوند عزوجل، به حسب علم اوست و علم الهی نیز ازلی و غیرقابل تغییر است (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱/۳۰۷)

۲-۱-۲- استدلال به عقل منبع برای رفع تناقض روایات مثبت شفاعت

رشیدرضا و عبده، برای رفع تناقض روایاتی که مثبت شفاعت هستند با آیات و دلیل عقلی‌شان، مجدداً از عقل منبع استفاده کرده و روایات را از جمله متشابهات دانسته‌اند که معنای عقلانی برای آن‌ها نمی‌توان تصور کرد و گفته‌اند: یقیناً مراد روایات، شفاعت شناخته‌شده در بین مردم نیست؛ زیرا خداوند عزوجل از این نوع باورها منزه است و لذا از راه تأویل در معنای این روایات پیش می‌روند و شفاعت در این روایات را بر دعایی حمل می‌کنند که خداوند متعال به دنبال آن دعا، آنچه را در علم ازلی‌اش بود انجام می‌دهد و به‌طور قطع، شافع، علم خداوند متعال را تغییر نداده و اثری در اراده او نگذاشته است و چون خداوند متعال به دنبال دعای بنده‌اش، آنچه را که در علم ازلی خود سبقت گرفته بود محقق می‌سازد، کرامت خداوند کریم نسبت به او آشکار می‌گردد (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۳/ ۳۲ - ۳۳).

بنابراین رشیدرضا در تفسیر آیات شفاعت هم از نقش مصباح بودن عقل و هم از نقش منبع بودن آن بهره‌برده است؛ به این صورت که با عقل مصباحی در آیات شفاعت تدبیر کرده است و به تبیین و توضیح آیات پرداخته است و با عقل منبع، برهانی عقلی بر انکار شفاعت ارائه داده است و روایات مربوط به شفاعت را تأویل نموده است.

۳-۱-۲- دیدگاه رشیدرضا درباره شفاعت تکوینی و تشریحی

پدیدآورندگان المنار، علاوه بر انکار شفاعت تشریحی که عبارت است از شفاعت انبیاء و اولیای الهی و ملائکه از برخی بندگان در روز قیامت، نوع دیگری از شفاعت را که وساطت در عالم تکوین برای رساندن فیض الهی بر موجودات است نیز نمی‌پذیرند؛ چراکه ایشان اصل دلالت آیات شفاعت بر تحقق شفاعت را - که شفاعت تکوینی را نیز شامل می‌شود - منکر هستند (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۱/ ۵۸، ۵۹ و ۲۴۳؛ همان، ۲/ ۶۶، ۶۷ و ۸۹).

۴-۱-۲- پیش فرض‌های عقلی رشیدرضا در رد مسأله شفاعت

ریشه اشتباه عبده و رشیدرضا در انکار شفاعت این است که تصویری نادرست و پیش فرض‌های باطلی از معنای شفاعت داشتند و شفاعت را به این معنا می‌دانستند که حاکم، به‌خاطر شفیع از اراده و حکم خود برگردد و آن را فسخ کند. حال این تغییر اراده‌اش یا به این دلیل است که متوجه می‌شود که آن حکمش، برخلاف مصلحت و عدالت بوده است یا این که حکمش بر اساس عدل بوده اما عدالت را به خاطر مصلحت ارتباطش با شفاعت‌کننده زیر پا می‌گذارد (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱/ ۳۰۷). این پیش فرض باطل از معنای شفاعت، موجب شده که عدالت را مستلزم تغییر علم ازلی خداوند متعال یا خلاف عدالت بدانند و با این تصور نادرست، به جمع بین آیات و روایات بپردازند و

این پیش‌فرض‌های نادرست خود را در عقل مصباح و عقل منبع هم راه دادند؛ بنابراین با توجه به این که برخی آیات قرآن، ظهور در اثبات شفاعت دارد، در صدد اثبات عدم دلالت آیات قرآن بر شفاعت برآمدند و شفاعت را منکر شدند.

۲-۲- کارکرد عقل در تفسیر آیات شفاعت از منظر آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی هم مانند رشیدرضا، در تفسیر آیات شفاعت، با استفاده از عقل مصباح یا همان عقل ابزاری به جمع بین آیات قرآن که در ارتباط با شفاعت هستند، پرداخته و آیات مربوط به شفاعت را به سه دسته تقسیم کرده است که عبارت‌اند از: دسته اول: آیاتی که شفاعت را به‌طور مطلق نفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ...» (بقره/۲۵۴)؛ ای اهل ایمان، از آنچه روزی شما کردیم انفاق کنید پیش از آنکه بیاید روزی که نه کسی (برای آسایش خود) چیزی تواند خرید و نه دوستی و شفاعتی به کار آید...

دسته دوم: آیاتی که منفعت شفاعت برای مجرمان را نفی می‌کنند: «فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ» (مدثر/۲۷)؛ پس شفاعت شفیعان در حق آنان هیچ سودی نبخشد.

دسته سوم: آیاتی که تحقق شفاعت را منوط به اذن خداوند دانسته: «... مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...» (بقره/۲۵۵)؛ ... که را این جرأت است که در پیشگاه او به شفاعت برخیزد مگر به فرمان او؟... و آیه‌ای که در معرفی ملائکه می‌فرماید: «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ» (انبیاء/۲۸)؛ هر چه آنان از ازل کرده و تا ابد می‌کنند همه را خدا می‌داند و هرگز از احدی جز آن کسی که خدا از او راضی است شفاعت نکنند و آن‌ها دائم از خوف خداوند متعال هراسانند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴/۲۳۸ تا ۲۴۱)

۲-۲-۱- بهره‌گیری آیت‌الله جوادی آملی از عقل ابزاری در رفع تعارض ظاهری

آیات شفاعت

آیت‌الله جوادی آملی، با استفاده از عقل ابزاری، تعارض بین آیات نافی شفاعت و آیات مثبت شفاعت را تعارض ابتدایی می‌داند نه تعارض مستقر؛ بنابراین با بهره بردن از استثناء در آیات دسته سوم، اطلاقات دسته اول و دوم را مقید کرده و تعارض بین آنان را برطرف می‌کند و حاصل جمع همه آیات مربوط به شفاعت را این می‌داند که شافع نمی‌تواند مستقلاً و بدون اذن خدا وساطت کند، بلکه شفاعت فقط با اذن خداوند متعال صورت می‌گیرد.

آیت‌الله جوادی آملی، در جواب قائلین به نفی شفاعت از جمله رشید رضا که معتقدند، استثنایی که در دسته سوم آیات وجود دارد در مقام تأکید نفی شفاعت هستند، می‌گوید:

این احتمال در صورتی پذیرفته می‌شود که دسته دوم در حکم دسته اول بوده و به‌طور مطلق شفاعت را نفی کند، درحالی‌که این‌گونه نیست؛ زیرا آیاتی که سودمندی شفاعت را نفی می‌کند، در آیاتی نظیر «وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ» یا «وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ» منحصر نیستند، بلکه آیاتی با تعبیر به «فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ» نیز در این دسته قرار دارند و چنین تعبیری فی‌الجمله، بیانگر وجود شفاعت و شافعانی است؛ اما گناهکارانی که قیامت را تکذیب می‌کنند، از شفاعت بی‌بهره‌اند و پاسخ اینکه شفاعت آنان به حال چه کسانی نافع است را دسته سوم می‌دهد و شرایط شافعان و شرایط بهره‌مندان از شفاعت را بیان می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴/ ۲۲۰).

۲-۲-۲- بهره‌گیری آیت‌الله جوادی آملی از عقل منبع برای روشن شدن حقیقت شفاعت

آیت‌الله جوادی آملی، با تحلیل عقلی و فلسفی و به‌عبارت‌دیگر با بهره‌گیری از عقل منبع، تصویری درست از حقیقت شفاعت ارائه می‌دهد. ایشان حقیقت شفاعت را تکمیل قابلیت قابل می‌داند؛ یعنی شفیع کاری می‌کند که در مجرم تغییر و تحوُّلی ایجاد شود؛ به‌طوری‌که دیگر مستحق کیفر نباشد و او را از قانون جزا و شمول آن به‌صورت اختصاصی خارج می‌سازد؛ بنابراین شفیع یا قابلیت قابل را تکمیل می‌کند و به‌عنوان مثال ناتوانی او را به میان می‌کشد و از این طریق موجب انعطاف فاعل می‌شود، یا فاعلیت فاعل را وسیع‌تر می‌کند به این صورت که احسان و کرم فاعل را ضمیمه عدلش قرار می‌دهد تا با فضل و احسانش، با مجرم رفتار کند و امکان دارد شفیع هر دو کار را با هم انجام دهد. در هر صورت به این معنا نیست که خود شفیع فاعلیتی داشته باشد تا راه سومی در عرض دو راه قبلی مطرح گردد؛ بنابراین در شفاعت، مبدأ تأثیرگذاری با شفیع نیست و شفیع فقط رابط است تا نصاب قبول را تنظیم یا نصاب گسترش فیض را تکمیل کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴/ ۲۶۳ و ۲۶۴).

۳-۲-۲- اقسام شفاعت بر اساس عقل مصباح از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی با استفاده از آیات قرآن و بهره بردن از عقل مصباح شفاعت را بر دو نوع تکوینی و تشریحی تقسیم می‌کند. شفاعت تکوینی به معنای شفاعت و وساطت اسباب و علل برای رسیدن فیض خدای متعال به مسببات است؛ و شفاعت تشریحی به معنای شفاعت در مرحله مجازات است که به شفاعت در دنیا و آخرت تقسیم کرده است.

ایشان آنچه را عرف به‌عنوان شفاعت مطرح می‌کند، شفاعت تشریحی می‌داند؛ اما شفاعت در لسان قرآن غالباً تکوینی است و فقط بخشی از آن شفاعت تشریحی می‌باشد؛

چراکه غالب آیاتی که نافی شفاعت هستند، به ردّ شبهه بت پرستان می‌پردازند؛ زیرا همه یا اکثر ادله‌ای که بت پرستان بر حقانیت بت پرستی اقامه می‌کردند به شفاعت تکوینی بت‌ها بازمی‌گشت. مشرکان بت‌ها را شفیعان و واسطه‌های نزول ارزاق و نعمات تکوینی (در دنیا) می‌دانستند، نه در مسائل حقوقی، اجتماعی، قضایی و قراردادی. حتی بسیاری از آیاتی که مربوط به شفاعت تشریحی در قیامت است، هم ظهورشان به شفاعت تکوینی بازمی‌گردد؛ چراکه آخرت دار تکوین است، نه دار اعتبار و قرارداد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴/ ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۲۱۵).

۴-۲-۲- بهره‌گیری از عقل ابزاری در جمع میان آیات و روایات

علامه جوادی آملی، با استفاده از عقل ابزاری یا مصباح به جمع‌آوری و بیان آیات و روایات مختلف پرداخته است و شافعان شفاعت تشریحی در دنیا را توبه، فرشتگان، پیامبران، مؤمنان، قرآن، ایمان و عمل صالح و... برشمرده است. همچنین شفیعان آخرت را فرشتگان، قرآن، شاهدان، مؤمنان، پیامبران و پیامبر گرامی اسلام و همه انبیاء و اوصیاء، عالمان، شهیدان و حافظان قرآن و عاملان به آن و محب حضرت فاطمه (س) و علویان و ذریه پیامبر (ص) و خواص شیعیان معرفی کرده است و صفات شفاعت‌شوندگان را با توجه به روایات برشمرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴/ ۲۴۲ تا ۲۶۲).

۵-۲-۲- نقد آیت‌الله جوادی آملی از پیش‌فرض‌های رشیدرضا در موضوع شفاعت

با بهره‌گیری از عقل برهانی

آیت‌الله جوادی آملی، سپس به نقد شبهاتی پرداخته است که درصدد خدشه‌دار کردن شفاعت در روز قیامت هستند. از جمله شبهه رشید رضا که شفاعت را به این معنا دانسته که خداوند به خاطر شفیع از اراده و حکم خود که مجازات مجرم است برگردد و آن را فسخ کند و یا اینکه به خاطر مصلحت ارتباطش با شفاعت کننده، شفاعت نابجایش را بر عدالت برتری دهد.

آیت‌الله جوادی آملی، در نقد سخنان المنار با استفاده از عقل منبع و برهانی، برداشت رشید رضا از شفاعت را نادرست می‌داند و با تفکیک کردن علم و اراده ذاتی خداوند متعال با علم و اراده فعلی باری تعالی به این اشکال، جواب متقنی می‌دهد. ایشان شفاعت را باعث تغییر اراده‌های جزئی و فعلی زائد بر ذات خداوند سبحان می‌داند که علم فعلی از آن انتزاع می‌شود نه علم و اراده ذاتی و ازلی. همچنین شفاعت را به معنای تصرف در علم خداوند متعال و تغییر عدل و داد الهی نمی‌داند، بلکه از منظر ایشان شفاعت به معنای درخواست احسان و فضل از خداوند سبحان و تقاضای عفو

و تخفیف از خداوند متعال است که بالاتر از عدل و قسط است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۶۷/۴ تا ۲۷۰).

بنابراین رشیدرضا، پیش‌فرض‌های نادرست خود از معنای شفاعت را در تحلیل عقلی خود وارد ساخته و دچار اشتباه شده است؛ اما آیت‌الله جوادی آملی با استفاده از عقل برهان به نقد رشیدرضا می‌پردازد و امکان عقلی شفاعت را با استفاده از عقل برهانی ثابت می‌کند و بعد از اثبات «امکان عقلی»، برای اثبات «وقوع» آن با بهره بردن از عقل ابزاری یا مصباح از نقل کمک گرفته و وقوع شفاعت را قطعی می‌داند؛ چراکه ادله معتبری اعم از قرآن و سنت، تحقق شفاعت را وعده داده‌اند و از آنجا که وعده الهی تخلف‌ناپذیر است، وقوع شفاعت قطعی است.

۳-۲- تطبیق و ارزیابی آراء رشید رضا و جوادی آملی در باب شفاعت

آیت‌الله جوادی آملی و رشید رضا، هر با استفاده از عقل ابزاری یا عقل مصباح قائل به وجود تعارض مستقر بین آیات شفاعت نیستند اما با توجه به اینکه پیش‌فرض‌های متفاوتی دارند، دو تفسیر متفاوت ارائه می‌دهند.

رشید رضا، شفاعت را به این معنا می‌داند که شفیع سبب می‌شود، حاکم از اراده و یا حکمی که کرده است منصرف شود؛ چراکه اراده حضرت حق به حسب علم اوست و علم الهی نیز ازلی و غیرقابل تغییر است؛ بنابراین با تکیه بر این دلیل عقلی و با استفاده از عقل برهان، منکر شفاعت شد و با این تصور نادرستی که از حقیقت شفاعت داشت، همه آیات را نافی شفاعت دانست و با استفاده از عقل منبع یا تأویل گر آیات مثبت شفاعت را توجیه و روایات مثبت شفاعت را به استجابت دعا تأویل کرد.

اما آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم، در ابتدا با استفاده از عقل مصباح به جمع بین آیات پرداخته و شفیع شدن بندگان مقرب را با اذن خداوند سبحان ثابت می‌کند؛ سپس با بهره‌گیری از عقل منبع و براهین عقلی تصویری درست از حقیقت شفاعت ارائه می‌دهد؛ به این صورت که حقیقت شفاعت را تکمیل قابلیت قابل می‌داند؛ یعنی شفیع کاری می‌کند که در مجرم تحوّل ایجاد شود؛ به گونه‌ای که استحقاق کیفر از او سلب شود و سپس در پاسخ به شبهاتی که در مورد شفاعت مطرح می‌شود امکان عقلی شفاعت را با استفاده از عقل منبع ثابت می‌کند و بعد از اثبات «امکان عقلی»، برای اثبات «وقوع» آن با استفاده از عقل مصباح از روایات و آیات کمک گرفته و وقوع شفاعت را امری قطعی قلمداد می‌کند.

نتیجه

نقش و کارکرد عقل در تفسیر قرآن کریم به دو صورت عقل منبع و عقل ابزاری تقسیم می‌گردد. عقل منبع نیز یا بدیهی است و یا برهانی. عقل ابزاری پرکاربردترین نقش عقل است که تنها به جمع‌بندی شواهد داخلی و خارجی می‌پردازد.

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم و رشیدرضا در تفسیر المنار، از هر دو کارکرد عقل یعنی مصباح بودن (عقل مصباح) و منبع بودن (عقل برهان) در تفسیر آیات شفاعت بهره برده‌اند؛ اما با توجه به اینکه پیش‌فرض‌های متفاوتی از حقیقت و ماهیت شفاعت داشتند، دو تفسیر متفاوت و متضاد ارائه می‌دهند؛ به این صورت که رشیدرضا با استفاده از عقل مصباح به جمع‌بندی آیات شفاعت پرداخته و مدعی شده که آیاتی که شفاعت بدون اذن خداوند متعال را نفی می‌کنند، مفهومی نافی مطلق و تأکید آیات نافی شفاعت است. در مرحله بعد امکان وقوع شفاعت را با بهره‌گیری از عقل منبع امری محال می‌داند و مجدداً با استفاده از عقل منبع آیات مثبت شفاعت را توجیه و روایات مثبت شفاعت را تأویل به استجاب دعا می‌کند ولی به‌عکس او، آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم تصویر درستی از حقیقت شفاعت را اثبات کرده و آن را با استفاده از عقل منبع امری ممکن و با بهره‌گیری از عقل ابزاری امری قابل وقوع دانسته است. به‌طوری‌که دیگر نیازی به تأویل و توجیه آیات و روایات مثبت شفاعت نیست.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق): «معجم مقاییس اللغة»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول.
۲. ابن منظور، محمد (۱۴۰۸ ق): «لسان العرب»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۳. بیات، محمدحسین و محقق، حسین (۱۳۹۸ ش): «تحلیل روش‌شناختی نقدهای علامه جوادی آملی در مسأله شفاعت بر تفسیر المنار»، دو فصلنامه شیعه پژوهی، سال ۵، ص ۳۱-۵۵.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ ش): «تسنیم- تفسیر قرآن کریم»، قم: نشر اسراء.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ ش): «اسلام و محیط زیست»، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ق): «الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه»، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ چهارم.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق): «المفردات فی غریب القرآن»، بیروت: دار الشامیة، چاپ اول.
۸. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ ق): «تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)»، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول.
۹. رشید رضا، محمد (۱۳۶۶ ش): «الوحي المحمدي»، مصر: انتشارات الزهراء للإعلام العربی، چاپ اول.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۲ ش): «منطق تفسیر قرآن»، قم: انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، چاپ سوم.
۱۱. سبحانی، جعفر (۱۳۸۳ ش): «منشور جاوید»، قم: موسسه امام صادق، چاپ اول.
۱۲. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ ق): «بحوث فی علم الاصول»، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، چاپ سوم.
۱۳. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۳ ش): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ سوم.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق): «مجمع البیان لعلوم القرآن»، بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم.
۱۵. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۷۳ ش): «شرح عیون الحکمه»، تهران: مؤسسه الصادق، چاپ اول.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق): «کتاب العین»، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم.
۱۷. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق): «المصباح المنیر»، قم: دار الهجرة، چاپ دوم.
۱۸. قرشی، علی اکبر (۱۳۶۴ ش): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶ ش): «مجموعه آثار»، تهران: صدرا، چاپ هفتم.
۲۰. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۸ ق): «التفسیر و المفسرون»، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ ق): «انوار الاصول»، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ دوم.
۲۲. میرزای قمی، ابوالقاسم (بی تا): «قوانین الاصول»، قم: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۳. نجار زادگان، فتح‌الله (۱۳۹۱ ش): «بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۴. نجار زادگان، فتح‌الله (۱۳۸۴ ش): «کارکردهای عقل در تفسیر قرآن از نگاه فریقین»، مجله علمی فلسفه دین، دوره ۱، شماره ۲، ص ۱۳۵ تا ۱۵۰.

References

The Holy Quran

1. Ibn Faris, Ahmad (1404 A.H.): "Mojam Maqais al-Loqah", Qom: Islamic Propaganda Office of the Seminary, first edition.
2. Ibn Manzoor, Muhammad (1408 A.H.): "Lisan al-arab", Beirut: Dar Ihya Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
3. Bayat, Mohammad Hossein and Mohagheghi, Hossein (2018): "Methodological analysis of Allameh Javadi Amoli's criticisms on the issue of intercession on the interpretation of al-Manar", Shia Research Quarterly, year 5, pp. 31-55..
4. Javadi Amoli, Abdullah (1381): "Tasnim- Tafsir of the Holy Qur'an", Qom: Esra Publishing House.
5. (1386)-----Islam and Environment", Qom: Isra Publishing Center, third edition.
6. Johari, Ismail bin Hammad (1407 AH): "Al-Sahah Taj al-Loqah ul-Lagheh and Sahah Al-Arabiyyah", researched by Ahmad Abdul Ghafoor Attar, Beirut: Dar-e-Al-Elam Lamlayin, 4th edition.
7. Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1412 AH): "Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an", Beirut: Dar al-Shamiya, first edition.
8. Rashid Reza, Muhammad (1414 AH): "Tafsir al-Qur'an al-Karim (Tafsir al-Manar)", Beirut: Dar al-Marafa, first edition.
9. (1366) ----- Al-Wahi Al-Mohammadi", Egypt: Al-Zahra Al-Ilam Al-Arabi Publications, first edition
10. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (2012): "Logic of Qur'an Interpretation", Qom: Jamia Al-Mustafa Al-Alamiya Publications, third edition.
11. Sobhani, Jafar (1383): "Manshor Javid", Qom: Imam Sadiq Institute, first edition.
12. Sadr, Muhammad Baqir (1417 AH): "Research on the science of religion", Qom: Institute of Islamic jurisprudence encyclopedia on the religion of Ahl al-Bayt, third edition.
13. Tabatabai, Sayyed Mohammad Hossein (1383): "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an", Beirut, Al-Alami Publishing House, third edition.
14. Tabarsi, Fazl bin Hasan (1408 AH): "Majjam al-Bayan l-Uloom al-Qur'an", Beirut: Dar al-Marefa, second edition.
15. Fakhr Razi, Muhammad bin Omar (1373): "Explanation of Ayoun al-Hikma", Tehran: Al-Sadiq Institute, first edition.
16. Farahidi, Khalil bin Ahmad (1410 AH): "Kitab al-Ain", Qom: Hijrat Publications, second edition.
17. Fayoumi, Ahmad bin Muhammad (1414 AH): "Al-Mesbah al-Munir", Qom: Dar al-Hijra, second edition.
18. Qurashi, Ali Akbar (1364): "Quran Dictionary", Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiya, 4th edition.
19. Motahari, Morteza (1376): "Collection of works", Tehran: Sadra, 7th edition.
20. Marafat, Mohammad Hadi (1418 AH): "Al-Tafsir wa Al-Mofaserun", Mashhad: Al-Jamae'eh Al-Razwiyyah for Uloom Al-Islamiyya, 4th edition.
21. Makarem Shirazi, Nasser (1428 AH): "Anwar al-Osoul", Qom: Publications of Imam Ali Bin Abi Talib School, second edition.
22. Mirzai Qomi, Abu al-Qasim (No date): "Gwanin al-Osul", Qom: Al-Ulamiya Al-Islamiya School.
23. Najjarzadegan, Fathullah (2012): "Comparative study of the foundations of Qur'anic interpretation in the perspective of Fariqin", Qom: Hozwa and University Research Center.
24. (2014) -----Functions of reason in interpreting the Qur'an from the perspective of the Shia and Sunni scholars", Scientific Journal of Philosophy of Religion, Volume 1, Number 2, pp. 135-150.